

انحصار پخش رادیو تلویزیونی

تأثیر منفی انحصار بر تولید کالاهای فرهنگی در کشور

علی اعظم محمدبیگی

طبق اصل چهل و چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پخش رادیو و تلویزیونی در انحصار بخش دولتی قرار دارد.^۱ به عبارت دیگر، در ایران بخش خصوصی مجاز به فعالیت پخش رادیو تلویزیونی نیست، گفتمنی است که در مقطعی از سال‌های پیش از انقلاب (۱۳۵۰ به بعد) هرچند همین وضعیت حاکم بود اما در قانون تشکیل رادیو تلویزیون ملی ایران، احتمال واگذاری مجوز پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی - در یک حوزه جغرافیایی محدود - به بخش دولتی یا خصوصی پیش‌بینی شده

بود.^۲ این مقاله نشان خواهد داد که رفع انحصار پخش رادیو تلویزیونی اگر با قیود خاصی همراه باشد که مقاصد اصلی قانونگذار از ایجاد این انحصار را تأمین کند به سود رونق تولید آثار فرهنگی و هنری در کشور تمام خواهد شد. اما پیش از بیان استدلال این پیشنهاد که مهمتر از همه، دال بر عدم برخورد پیامدهای اجرای آن با مقاصد قانونگذار از تعلق انحصار فعالیت پخش رادیو تلویزیونی به بخش دولتی باشد و سپس تبیین فواید مشخص اجرای

این پیشنهاد، بهتر است معیارهایی که حکومت‌ها را به انحصار تولید و یا ارائه برخی کالاها و خدمات به بخش دولتی تشویق می‌کند شناسانده شود؛ به کالاها و خدماتی که:

۱. انحصاراً توسط دولت تولید و ارائه می‌شوند^۳ (مانند خدمات تأمین امنیت خارجی کشور)؛

۲. انحصاراً توسط دولت ارائه می‌شوند (مانند خدمات پارک‌ها که به رایگان توسط دولت ارائه می‌شود اما بخش خصوصی به سفارش دولت این

خدمات را تولید می‌کند)؛

۳. تنها توسط بخش خصوصی تولید و ارائه می‌شود (مانند تولید محصولات کشاورزی).

معیارهای یادشده ضمن آنکه الگوی نظری این طبقه‌بندی را بدست می‌دهد به‌طور ضمنی پاسخ پرسش‌های زیر را نیز دربرخواهد داشت.

۱. چرا کشورها به لحاظ دامنه کالاهای و خدماتی که انحصاراً توسط بخش عمومی تولید و یا ارائه می‌شود تفاوت دارند (مانند انحصاری بودن فعالیت پخش رادیو تلویزیونی در ایران در مقابل وجود شبکه‌های خصوصی پخش در اغلب کشورهای توسعه یافته و برخی از کشورهای درحال توسعه)؛

۲. چرا در یک کشور معین در طول زمان، دامنه کالاهای و خدماتی که انحصاراً توسط بخش عمومی تولید و یا ارائه می‌شود تغییر کرده است (مانند انحصاری بودن فعالیت بانکداری در ایران در سال‌های بعد از انقلاب در مقایسه با آزادی فعالیت بانک‌های خصوصی در سال‌های قبل از انقلاب در ایران) به‌نظر می‌رسد حکومت‌ها براساس دو معیار کلی یعنی:

۱. ملاحظات اقتصادی؛ ۲. ملاحظات غیراقتصادی. تصمیم به انتخاب بین دو گزینه تولید و ارائه انحصاری یک کالا یا خدمت توسط بخش دولتی و واگذاری کامل تولید و ارائه آن به بخش خصوصی و گزینه‌های بینابین مانند تولید در هر دو بخش (مانند تولید همزمان اتومبیل در کارخانه‌های دولتی و خصوصی) می‌گیرند. منظور از ملاحظات اقتصادی این است که حکومت‌ها در انتخاب یکی از این گزینه‌ها عوامل اقتصادی را مدنظر قرار دهند. در اینجا حکومت‌ها به توصیه‌های سیاستی که از نظریه اقتصادی استنتاج می‌شود توجه دارند. برای مثال، نظریه اقتصادی بخش عمومی را به تولید

مستقیم و یا ارائه کالاهای یا خدماتی دعوت می‌کند که در مقایسه با تولید آن در بازار (توسط بخش خصوصی) فایده اجتماعی خالص بیشتری ایجاد می‌کند. اصطلاحاً گفته می‌شود که مصرف این نوع کالاهای یا خدمات فواید جنبی برای افرادی غیر از مصرف‌کننده مستقیم آنها در بردارد که در چارچوب مکانیزم بازار و تولید آن توسط بخش خصوصی این فواید به حساب نمی‌آید. آموزش فنی و حرفه‌ای در مقطع راهنمایی و متوسطه از این نوع خدمات است که علاوه بر ایجاد فایده مستقیم برای مصرف‌کننده آن (افزایش یا ایجاد مهارت در هنرجویان) با اثرگذاری بر مهارت همکاران، دوستان و به‌طورکلی اشخاص پیرامون مصرف‌کننده فواید غیرمستقیم برای آنان در پی دارد. چون مکانیزم بازار در تصمیم‌گیری درباره میزان تولید این خدمت، این فواید غیرمستقیم را به حساب نمی‌آورد و برآثر نقصان تولید آن، جامعه از فواید اجتماعی تولید خدمت آموزش فنی و حرفه‌ای محروم خواهد شد، نظریه اقتصادی دولت را به تولید و یا ارائه مستقیم آن فرا می‌خواند.

همچنین نظریه اقتصادی با تبیین ناتوانی بازار در تولید بهینه یک دسته دیگر از کالاهای و خدمات، بخش عمومی را به تولید و یا ارائه آنها توصیه می‌کند. اینها اصطلاحاً کالاهای یا خدمات عمومی نامیده می‌شوند.

«کالای عمومی در مقابل کالای خصوصی تعریف می‌شود. کالای خصوصی کالایی است که افراد مختلف متناسب با تمایل و قدرت خرید خود مقادیر مختلفی از آن را مصرف می‌کنند و مصرف یک فرد سبب حذف مصرف افراد دیگر نمی‌شود، مانند غذا، لباس، مسکن... کالای عمومی، طبق تعریف کالایی است که به‌طور بالقوه همه مصرف‌کنندگان آن می‌توانند به تساوی از آن بهره‌مند شوند و

مصرف یک نفر اصولاً نمی‌تواند مانع مصرف افراد دیگر جامعه از آن کالا و یا خدمت شود. نمونه این کالاهای و خدمات عبارتند از پارک‌ها، راه‌ها، خدمات قضایی، دفاع، حفظ نظم و امنیت شهرها... اینگونه کالاهای معمولاً قابل ارائه در بازار و خرید و فروش نبوده و برای آنها بازاری وجود ندارد. به این دلیل مقدار عرضه آنها توسط دولت تعیین می‌گردد و تصمیم در مورد هزینه و محل تأمین آنها نیز توسط دولت و به نمایندگی از جانب عمومی مردم اتخاذ می‌شود.»^۲

نظریه اقتصادی، تولید و یا ارائه انحصاری کالاهای و خدمات دیگری را نیز به بخش عمومی توصیه می‌کند که از بیان

■ طبق اصل

چهل و چهار قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران،

بخش رادیو و تلویزیونی در

انحصار بخش دولتی قرار

دارد.

آنها صرف‌نظر می‌شود. البته ملاحظات اقتصادی دیگری وجود دارد که نه از نظریه اقتصادی بلکه از شرایط خاص برخی از کشورها برمی‌خیزد و تولید یا ارائه انحصاری کالاهای و خدماتی را توسط این بخش توجیه می‌کند.

پیشنود «غیر» در عبارت ملاحظات غیراقتصادی ضمن آنکه تفاوت این معیار با ملاحظات اقتصادی را نشان می‌دهد معرف نوع ملاحظات موردنظر حکومت یا قانونگذار در تحدید امر تولید و یا ارائه برخی کالاهای و خدمات به بخش عمومی است. حکومت‌ها در این تصمیم‌گیری درباره برخی از کالاهای و خدمات، تنها این ملاحظات را که شامل یک یا ترکیبی از

جای بخش خصوصی مبادرت به تولید و یا ارائه آموزش ابتدایی می‌کنند بلکه در اغلب کشورها این سطح از آموزش اجباری اعلام شده است.

«نیجریه: پایداری از ارزش‌های ملی به‌خاطر تحقق هدف وحدت ملی...»

آرژانتین: پرورش شهروندان آگاه، نقاد و نوآور مطابق با ارزش‌های مسیحی...»

کوبا: پرورش دانش‌آموزان در راستای ارزش‌های کمونیستی.

هند: تأمین دموکراسی و وحدت ملی و پاس داشتن میراث فرهنگی.

اندونزی: ایجاد وحدت ملی با بالابردن فرهنگ عمومی و تربیت شهروندان میهن‌پرست.

لیبی: ترویج فرهنگ اسلامی، ایجاد حس مسؤولیت در دانش‌آموزان، پرورش انسان‌های مؤمن به اخلاق اسلامی، حفظ هویت فرهنگی و پرورش شهروندان مؤمن به ارزش‌های انقلابی خلق لیبی.

جمهوری فدرال آلمان: پرورش اخلاق روحی و جسمی جوانان، ایجاد روح برابری و برادری، عشق به وطن و احترام به حقوق دیگران.

دانمارک: ارج نهادن به ارزش‌های اخلاقی مسیحی...»^۵

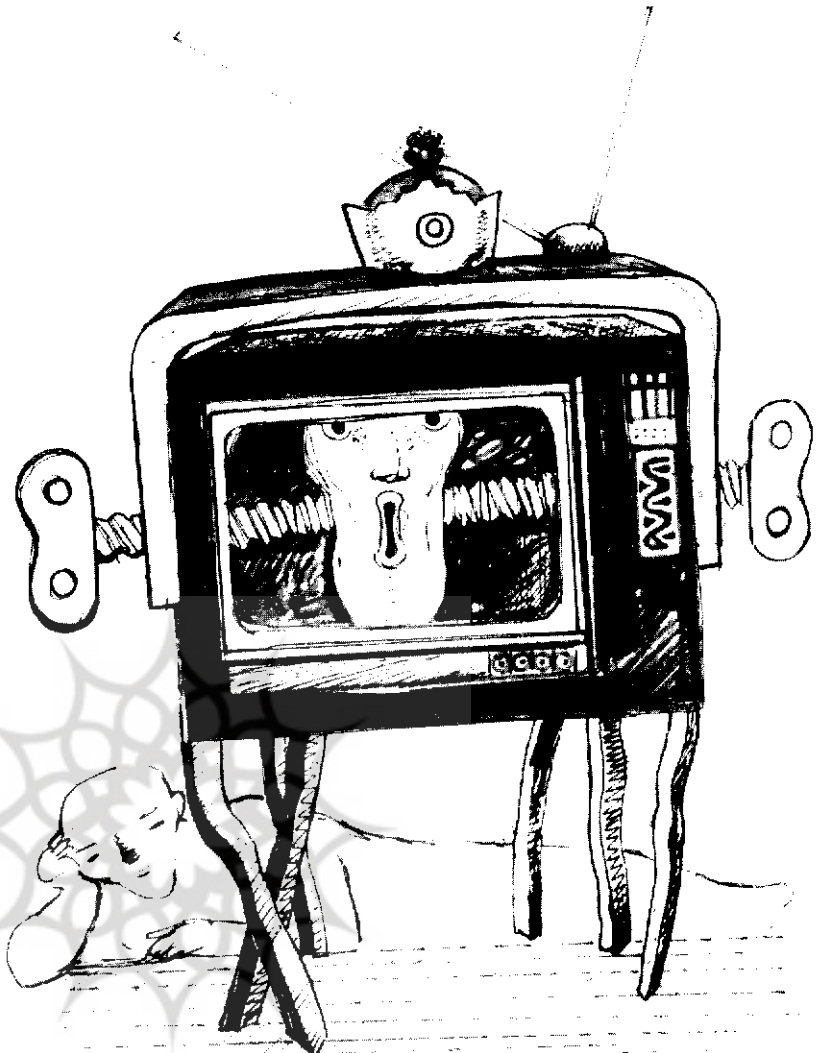
ایران: «... تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلامی... تقویت احساس کرامت اخلاقی، پرورش روحیه نظم و انضباط...»

شناساندن تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و کشورهای دیگر...»

پذیرش روحیه مسؤولیت‌پذیری...»

شناساندن استعمار و استکبار جهانی و ضرورت مبارزه با آن...»^۶

یک شاخص بسیار مهم و متمایزکننده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ارزشی از یکدیگر، همین درجه نسبی تأثیر ملاحظات اقتصادی و غیراقتصادی در تعیین طیف کالاها و خدماتی است که انحصاراً در بخش عمومی تولید و یا ارائه



کالاها و خدمات به بخش عمومی می‌دهند. به نظر می‌رسد شناخته شده‌ترین این نوع کالاها و خدمات، آموزش ابتدایی باشد. از جنبه ملاحظات اقتصادی، همان مطالبی که درباره فواید جنبی آموزش فنی و حرفه‌ای و در نتیجه ضرورت تولید و یا ارائه مستقیم آن توسط بخش عمومی بیان شد درباره آموزش ابتدایی نیز مصداق دارد و شاید با شدت بیشتر. از جنبه ملاحظات غیراقتصادی، بیان بخشی از هدف‌های نظام آموزشی چند کشور از جمله ایران شاید به خوبی روشن کند که چرا حکومت‌ها در تعقیب ملاحظات غیراقتصادی نه فقط خود مستقیماً و به

چند ملاحظه فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی است مورد توجه قرار می‌دهند و یا عمدتاً از ملاحظات اقتصادی که درجه اهمیت آنها در مقایسه با ملاحظات غیراقتصادی کمتر ارزشیابی می‌شود صرف‌نظر می‌کنند. برای مثال، در عمومی کشورها، انحصار پخش رادیو و تلویزیونی به بخش عمومی از ملاحظات فرهنگی و سیاسی ناشی می‌شود و انحصار تولید خدمات دفاعی (از مرزهای کشور) از ملاحظات امنیتی و سیاسی.

هر دو معیار ملاحظات اقتصادی و غیراقتصادی گاهی، همسو با یکدیگر حکم به انحصار تولید و یا ارائه برخی

می‌شود، به بازار واگذار می‌شود یا گزینه‌ای بینابین انتخاب می‌گردد.

با توجه به مشخصات فنی و اقتصادی فعالیت پخش رادیو و تلویزیونی که آن را در زمره خدماتی قرار نمی‌دهد که نظریه اقتصادی (یا ملاحظات اقتصادی) حکم به انحصار تولید و یا ارائه آن به بخش عمومی بدهد و نیز آگاهی از کارکردهای متنوع این فعالیت و به ویژه کارکرد رسانه‌ای و ارتباطی آن روشن است که ملاحظات غیراقتصادی تنها معیاری بوده که تهیه‌کنندگان قانون اساسی در ایران را به انحصار پخش رادیو تلویزیونی به بخش عمومی هدایت کرده است. به عبارت دیگر و به بیانی کوتاه، اینان نگران از احتمال عدم رعایت (عمدی یا سهوی) ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه در برنامه‌های رادیو تلویزیونی شبکه‌های خصوصی حکم به انحصار فوق داده‌اند. البته ملاحظات امنیتی و سیاسی نیز در این تصمیم مؤثر بوده و به نظر می‌آید در کشورهای دیگر که وضعیتی مشابه ایران دارند همین مجموعه ملاحظات غیراقتصادی - البته با شدت و ضعف متفاوت - منجر به انحصار پخش رادیو تلویزیونی به بخش عمومی شده باشد.

با توجه به اینکه در شرایط موجود ایران به نظر می‌رسد سیاستمداران کشور از نظر احتمال عدم رعایت ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و ملاحظات غیراقتصادی دیگر در برنامه‌های رادیو و تلویزیونی شبکه‌های خصوصی کماکان نگرانی داشته باشند، چگونه می‌توان از ضرورت رفع انحصار پخش این برنامه‌ها سخن به میان آورد؟ به عبارت دیگر، این پیشنهاد به شرط آنکه معیار ملاحظات غیراقتصادی در تحدید این فعالیت به بخش عمومی را نقض نکند چه مزایایی در برخواهد داشت؟ این پرسش باب یک مبحث نظری را که مکمل مبحث بالاست

می‌گشاید که در نهایت، پاسخ آن، ما را به معرفی و تبیین عوامل مساعد و موافق ضرورت مجاز دانستن فعالیت بخش خصوصی در پخش رادیو و تلویزیونی هدایت می‌کند.

در آغاز مقاله از تأثیر دو معیار ملاحظات اقتصادی و غیراقتصادی در تصمیم‌گیری حکومت‌ها به انحصار تولید و یا ارائه برخی کالاها و خدمات به بخش عمومی سخن گفته شد. امروزه با مشاهده و تحلیل رفتار حکومت‌ها روشن می‌شود که اینها در انواع تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خود، حتی سیاست‌گذاری‌های غیراقتصادی ناگزیرند به گونه‌ای پیامدهای اقتصادی آنها را مدنظر قرار دهند. به عبارت دیگر، حتی افسراطی‌ترین نظام‌های ایدئولوژیک ناگزیرند چنین کنند زیرا در مقابل جریان مهیب تقاضای روزافزون جامعه برای کالاها و خدمات مدرن و به‌طورکلی، به دلیل اقتضات سبک زندگی جدید - که قرن بیستم را از تمام دوران حیات بشر متمایز می‌کند - غفلت از این ملاحظات در نهایت، فروپاشی حکومت‌های خطاکار را در پی خواهد داشت. تجربه و درس بزرگ فروپاشی جهان کمونیسم بهترین شاهد این ادعاست.

علاوه بر این الزام تاریخی و خاص قرن اخیر که توجه حکومت‌ها به پیامدهای اقتصادی تصمیمات را ضروری کرده از جنبه نظری نیز حالتی قابل تصور است که بدون نقض ملاحظات غیراقتصادی می‌توان روشی از ارائه انحصاری کالاها و خدمات عمومی را انتخاب کرد که از جنبه ملاحظات اقتصادی کمترین پیامد منفی یا بیشترین پیامدهای مثبت را داشته باشد. تأمین مالی آموزش ابتدایی توسط دولت یا در واقع، عرضه رایگان آموزش و در مقابل، تولید این خدمت توسط بخش خصوصی که در برخی کشورها به آن عمل

می‌شود شاهدهی بر امکان توجه به ملاحظات اقتصادی در چارچوب حفظ پابندی به ملاحظات غیراقتصادی در ارائه کالاها و خدماتی است که ملاحظات اخیر به تنهایی و یا به همراه برخی ملاحظات اقتصادی حکم به انحصار آن به بخش عمومی داده است. در اینجا، حکومت‌ها در چارچوب معیار ملاحظات غیراقتصادی که حکم به انحصار تعیین محتوای ارزشی، اخلاقی و فرهنگی برنامه درسی در نظام آموزشی به بخش عمومی می‌دهد، بخش خصوصی را از دخالت در این امر یا در واقع، تولید برنامه درسی باز می‌دارند تا از طریق این نظام بتوانند

■ رفع انحصار پخش رادیو

تلویزیونی اگر با قیود

خاصی همراه باشد که

مقاصد اصلی قانونگذار از

ایجاد این انحصار را تأمین

کند به سود رونق تولید

آثار فرهنگی و هنری در

کشور تمام خواهد شد.

ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسب را به کودکان و نوجوانان منتقل کنند.

اما در بعضی کشورها حکومت‌ها که از اصل بدیهی تفوق کارایی اقتصادی بخش خصوصی نسبت به بخش عمومی آگاه هستند - به‌ویژه در کشورهایی که ملاحظات اقتصادی جایگاه والایی در نظام ارزشی جامعه دارد - به تأمین مالی خدمات آموزش ابتدایی یا عرضه رایگان آن بسنده می‌کنند و تولید این خدمات را به بخش خصوصی وامی‌گذارند. روش عمل این است که دولت با مجاز دانستن تشکیل مدارس خصوصی، متوسط سرانه هزینه آموزش دانش‌آموزان را در اختیار

والدین قرار می‌دهد تا آنان مدرسه موردپسند خود را برگزینند. در این گونه نظام‌های آموزشی، مدارس خصوصی مطابق با برنامه درسی مصوب دولت فعالیت می‌کنند. این روش به عنوان یک مزیت که در چارچوب ملاحظات اقتصادی قرار می‌گیرد فرصت این انتخاب را به والدین دانش‌آموزان می‌دهد که در صورت تمایل به سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش فرزندان خود (علاوه بر سرمایه‌گذاری دولت) مدرسه‌ای را برگزینند که با دریافت شهریه اضافی (اضافه بر بن هزینه سرانه آموزش هر دانش‌آموز که وجه آن را از دولت

■ اجازه تشکیل مدارس خصوصی در ایران در اواخر دهه ۱۳۶۰ شاید تماماً به دلیل توجه دولت به ضرورت دخالت دادن معیار ملاحظات اقتصادی در حین تصمیم‌گیری راجع به انحصار یا عدم انحصار تولید خدمات آموزشی به بخش عمومی انجام شد.

■ دولت قادر است با اقدامی که ماهیتاً مشابه اقدام نظام آموزشی کشور یعنی انحصار تعیین محتوای ارزشی برنامه‌های درسی به بخش عمومی است، محتوای اخلاقی، فرهنگی و به‌طور کلی محتوای ارزشی برنامه‌های رادیو تلویزیونی را که شبکه‌های خصوصی تولید یا پخش خواهند کرد تحت نظارت داشته باشد.

می‌گیرند) خدمات آموزش بهتر و بیشتری را تولید می‌کند.

اجازه تشکیل مدارس خصوصی در ایران در اواخر دهه ۱۳۶۰ شاید تماماً به دلیل توجه دولت به ضرورت دخالت دادن معیار ملاحظات اقتصادی در حین تصمیم‌گیری راجع به انحصار یا عدم انحصار تولید خدمات آموزشی به بخش عمومی انجام شد. به عبارت دیگر، در این تصمیم دولت ضمن آنکه از ملاحظات غیراقتصادی عدول نکرده (زیرا کماکان برنامه درسی را دولت تعیین می‌کند و مدارس خصوصی نیز موظف به رعایت آن هستند) اما بین دو گزینه غفلت از توجه

به معیار ملاحظات اقتصادی گزینه دوم را برگزیده است که بر سرنوشت جامعه اثر مثبت دارد.

استدلال فوق درباره فعالیت پخش رادیو تلویزیونی نیز دقیقاً مصداق دارد. در واقع، دولت جمهوری اسلامی ایران که بنابر ملاحظات فرهنگی، سیاسی و غیر آن (یا ملاحظات غیراقتصادی) نمی‌خواهد اختیار مطلق یابی قید و شرط انتخاب و پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی را به بخش خصوصی واگذارد قادر است با اقدامی که ماهیتاً مشابه اقدام نظام آموزشی کشور یعنی انحصار تعیین محتوای ارزشی برنامه‌های درسی به بخش عمومی است، محتوای اخلاقی، فرهنگی و به‌طور کلی محتوای ارزشی برنامه‌های رادیو تلویزیونی را که شبکه‌های خصوصی تولید یا پخش خواهند کرد تحت نظارت داشته باشد.

تجدید جهت‌گیری‌های سیاسی دولت در سال‌های پس از جنگ تحمیلی (۱۳۶۸ به بعد) که انعکاس و ابستگي شديد بقای رشد جامعه ایران به تجدیدنظر در موازنه ملاحظات اقتصادی و غیراقتصادی در حوزه تصمیم‌گیری‌های سیاسی از جمله درباره انحصار یا عدم انحصار انجام برخی فعالیت‌ها به بخش عمومی است، به‌نظر می‌رسد بهترین شاهد آمادگی دولت برای توجه به براهینی چون براهین زیر است که در چارچوب ملاحظات اقتصادی، رفع انحصار فعالیت پخش رادیو تلویزیونی را موجه می‌نماید. فهرست زیر فهرستی جامع از پیامدهای اقتصادی مثبت - و حتی به‌طور غیرمستقیم برخی پیامدهای غیراقتصادی - این اقدام نیست و فقط به عنوان تبیین ضرورت فتح باب مطالعه جدی در این باره ارائه می‌شود.

۱. وجود یک یا چند شبکه خصوصی رقیب در مقابل شبکه‌های دولتی پخش رادیو تلویزیونی (سازمان صداوسیما

جمهوری اسلامی ایران) عوامل تعیین‌کننده قیمت خرید حق پخش رادیو تلویزیونی محصولات فرهنگی، هنری و سرگرم‌کننده را به نفع تولیدکنندگان این محصولات و در نتیجه، به نفع احتمال افزایش سرمایه‌گذاری در تولید آنها تغییر خواهد داد. برای مثال، موقعیت فعلی سازمان صداوسیما را در مقابل تولیدکنندگان فیلم‌های سینمایی از نظر قیمت خرید و فروش پخش این آثار در نظر بگیرید. به نظر می‌رسد این سازمان با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز خود به‌عنوان یک انحصارگر خرید، قیمت ناعادلانه (نازلی) را برای خرید حق پخش آثار

■ بدون نقض ملاحظات

غیراقتصادی می‌توان روشی از ارائه انحصاری کالاها و خدمات عمومی را انتخاب کرد که از جنبه ملاحظات اقتصادی کمترین پیامد منفی یا بیشترین پیامدهای مثبت را داشته باشد.

سینمایی به تولیدکنندگان آنها بپردازد. وجود یک یا چند شبکه خصوصی موقعیت انحصاری سازمان صداوسیما را از بین خواهد برد و در نتیجه، در شرایطی که بسیاری از صاحبانظران و دست‌اندرکاران تولید آثار سینمایی بازدهی اقتصادی ناچیز این فعالیت را مهم‌ترین عامل رکود آن معرفی کرده‌اند، افزایش درآمد حاصل از فروش حق پخش این آثار به نفع بهبود وضعیت سینمای کشور و در نهایت ارتقای سطح فرهنگ جامعه خواهد بود.

۲. شاید بتوان گفت موقعیت انحصاری سازمان صداوسیما در پخش

رادیو تلویزیونی آثار فرهنگی و هنری بیش از همه به زیان اقتصادی آثار موسیقایی تمام می‌شود زیرا در حالی که صداوسیما دست‌کم اصل ضرورت خرید حقوق مادی پخش آثار سینمایی (صرف‌نظر از عادلانه یا ناعادلانه بودن قیمت آنها) را رعایت می‌کند آثار موسیقایی را که با سرمایه‌گذاری این سازمان تولید نشده‌اند، عموماً بدون پرداخت حقوق مادی صاحبان این آثار پخش می‌کند. شبکه‌های خصوصی پخش رادیو تلویزیونی - که معمولاً خود قادر به تولید آثار فرهنگی، هنری و تفریحی نیستند - برای جذب شنوندگان و بینندگان بیشتر افزایش درآمد حاصل از پخش آگهی‌های تجارتي طبیعتاً حاضرند قیمت نسبتاً خوبی برای خرید حق پخش آثار موسیقایی بپردازند. همین جا گفتنی است که وجود شبکه‌های خصوصی، سازمان صداوسیما را به رعایت حقوق مادی پخش کلیه آثار فرهنگی، هنری و تفریحی ملزم خواهد کرد زیرا قواعد یک رقابت عادلانه (صرف‌نظر از الزامات قانونی) حکم می‌کند که هر دو نوع شبکه در این حوزه موقعیت یکسانی داشته باشند. اثر مثبت فعل و انفعالات مذکور بر میزان سرمایه‌گذاری در تولید آثار موسیقایی و به طور کلی هر اثر فرهنگی و هنری، همچون آثار سینمایی، روشن است و نیازی به شرح و بسط بیشتر ندارد.

۳. انحصار اصولاً ریشه‌های سوءمدیریت، غرور و غفلت از نوآوری را آبیاری می‌کند. امروزه (و در گذشته) سازمان صداوسیما در چنین موقعیتی قرار دارد (و داشته) و جامعه ایران همچون بسیاری از فعالیتهای اقتصادی دیگر در کشور مانند خدمات بانکداری، راه‌آهن، پست و مخابرات از وجود این انحصار زیان‌های اقتصادی فراوانی را متحمل شده است. عدم کارآیی و ثمربخشی فعالیت

این سازمان‌ها تا حد بسیار زیادی به ساختار انحصاری آنها برمی‌گردد نه سوءنیت مدیران آنها. به نظر می‌رسد رفع انحصار پخش رادیو و تلویزیونی بتوانند چشمه خلق آثار فرهنگی و هنری بدیع را به جوش آورد و نیروهای خلاق را به سمت تولید این آثار جذب نماید. □

۱. «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، ... رادیو تلویزیون... است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

۲. سازمان رادیو و تلویزیون ملی کشور می‌تواند با تصویب هیأت‌وزیران پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون را به صورت محدود و ملی به مؤسسات دیگر بدهد (قانون تشکیل سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، مصوب ۱۳۵۰).

۳. در اینجا لازم است درباره تفاوت مفهوم تولید و ارائه کالا یا خدمات توسط دولت با بخش عمومی - که در طبقه‌بندی موردنظر، گروه اول کالاها و خدمات را شامل می‌شود - با مفهوم ارائه کالا یا خدمت توسط دولت یا بخش عمومی - که در طبقه‌بندی موردنظر، گروه دوم کالاها و خدمات را دربرمی‌گیرد - توضیح داده شود. منظور از گروه اول این است که دولت خود آن را مستقیماً تولید می‌کند و به صورت رایگان به مصرف‌کننده ارائه می‌نماید. تولید خدمت آموزش ابتدایی در مدارس دولتی و ارائه رایگان آن مصداق این گروه از کالاها و خدمات است. اما دولت برخی کالاها یا خدمات را همچون گروه اول بدون هزینه مستقیم یا به صورت رایگان به مصرف‌کننده ارائه می‌کند اما تولید آن را بخش خصوصی در ازای دریافت هزینه آن از بخش عمومی - واگذار می‌کند. خدمات پارک‌ها مصداق کالاها و خدمات گروه دوم است. برای آگاهی بیشتر از این مفاهیم و مصادیق آن در سطح کلان (اقتصاد کشورها) مراجعه کنید به ماسگریور، ریچارد و ماسگریور، پگی ب. «مالیه عمومی در تئوری و عمل»، مترجمان: محمد، سعید و ابراهیمی‌فر، یدالله. سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۷۲. جلد اول، صص ۱۳-۱۱.

۴. طبیبیان، محمد. بودجه دولت، وظایف، عملکرد

و پیشنهادها. برنامه و توسعه ش ۴ و ۵، بهار ۱۳۶۵.

۵. صیغ خیز، ناصر و سلیمی، پرویز. راهنمای بین‌المللی نظام‌های آموزشی. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، ۱۳۶۱.

۶. شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. طرح مصوب کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷.